

# چهار چهره، چهار نظر

بریده‌ای از نظرات بزرگان  
درباره کارنامه شعری فاضل نظری



## سیدعلی موسوی گرمارودی

هر سه مجموعه نظری لبریز از تجربه‌های شاعرانه اوست. غزل‌های او تمام یا اکثرشان نشانه‌های یک شعر خوب را دارا هستند. واقعیت این است که از میان همه قالب‌های شعری، غزل که پری‌زاده شعر فارسی است، این شاعر را برگزیده است. در واقع، شاعر لحظات شاعرانه را شکار نمی‌کند، بلکه این لحظات ناب هستند که شاعر را شکار می‌کنند. تمرکز فاضل نظری بر روی قالب غزل و اکتفای او به این قالب نیز رمز دیگری از موفقیت اوست.

نظری شاعری معناگراست و در شعر او معانی گسترده‌ای از دوستداری طبیعت، عشق زمینی و آسمانی، پذیرش تقدیر و... دیده می‌شود، در عین حال وی از سنت ادبی گذشته به خوبی آرایه‌ها را در استخدام خود گرفته است، طوری که به هیچ روی در ظاهر شعر به چشم نمی‌آیند و شعر را به سوی تصنع نکشاده‌اند.



## رضاسیدحسینی

در این روزگار، غزل خوب گفتن کار آسانی نیست و غزل‌گوی خوب انگشت شمار است. در کشوری که حافظ و سعدی و صائب و ... دارد، پس از یک دوران تقریباً موفق شعر نو و ادامه تجربه‌های تازه‌تر، ناگهان بازگشت به غزل سبب شده‌است که باز هم صدها دیوان غزلیات تازه منتشر و فراموش شود. حال وقتی به پشت‌سر نگاه می‌کنیم به‌جز سه‌چهار غزل‌سرای خوب که از مرحله تقلید فراتر رفته‌اند و غزل‌هایشان بی‌تردید ماندنی خواهد بود، کمتر غزل‌سرای را می‌بینم که دیوان او پس از انتشار بلافاصله فراموش نشود. اما طبیعی‌است که ظهور تک شاعرها ادامه و گه‌گاه غزل‌سرای پیدا می‌شود که مقلد هیچ‌کس نیست و می‌توان به او امید بست و منتظر درخشش آینده‌اش بود. بی‌تردید فاضل نظری یکی از این استثناها است. غزل‌های ساده و در عین حال بکر او آنرا امید را در آدمی مثل من تولید می‌کند که او آینده درخشانی داشته باشد. بلی، نمی‌توان ادعا کرد که هم اکنون همه غزل‌های او شاهکار است. اما هر غزلی و حتی هر بیتی از او را می‌توان گفت که تازه‌است و کافی‌است که شعر و نثر کلاسیک را با مجال بیشتری بخواند و کلمات همین اندیشه تازه و شعر تازه را با وسواس سخت‌تری انتخاب کند و آنگاه ممکن است به تدریج با شاعری روبرو شویم که نظیر ندارد و همین شرط ماندگاری غزل اوست.

۷۵



شماره ۶۸  
زمستان ۱۳۸۸



### یوسفعلی میرشکاک

به عقیده من اگرچه قالب شعر نظری غزل است، اما به طور واضح و آشکاری فضای ما بعد نیمایی در شعرهای او اثر گذاشته است، در واقع فضای شعر او کهنه و قدیمی نیست. با این حال نظری به آرایه‌های شعر کلاسیک به خوبی آشناست و از آن‌ها در جای جای شعر خود بهره برده است؛ به طوری که کوچک‌ترین اشکالی را نمی‌توان در وزن و قافیه اشعار او وارد کرد.

از نگاه من بهترین شعرهای نظری آن‌هایی است که او در «آن‌ها» به زبان رمز نزدیک شده است؛ گرچه عده‌ای او را در چنین اشعاری به رعایت نکردن الگوهای زبانی متهم می‌کنند، اما به واقع شعرهای رمزی و نمادین او اوج شعرهایش است.

من شعرهای او را بالنده می‌بینم و پر از ظرافت و عاطفه، و بالنده‌تر خواهد شد، به شرط اینکه به مضامین کلاسیک باز نگردد و به رویدادهای پسانیمایی بپردازد، چراکه تقلید از فضای ذهنی شاعران گذشته مرگ شاعر را به بار می‌آورد.



### مشفق کاشانی

فاضل نظری، با عنایت به مطالعات پی‌در پی در فرهنگ و ادب فارسی و عربی، با شعر فارسی و متون ارزشمند گذشته و معاصر پیوندی ناگسستنی دارد. او در نقد و نظر از منتقدان صاحب‌نام و در شعر - به خصوص قالب غزل امروز- از شاعران برجسته روزگار ما به شمار است، شعر او سرشار از واژگان تازه و تصویرهای بدیع است که در عمق جان و دل خواننده و شنونده نفوذ می‌کند «گریه‌های امپراطور» و «قلیت» دو مجموعه شعر ارجمند او که پس از انتشار به‌زودی نایاب شد و به چاپ‌های بعد رسید، گواه این مدعاست. او سوای شعر و پژوهش، جوانی است بزرگ‌منش، در دوستی استوار و در مردم‌داری زبانزد و در محبت به دیگران بی‌قرار... توفیق هرچه بیشتر او را از خداوند بزرگ مسئلت می‌دارم. چنین باد و چنین‌تر.

